



حکمرانان

همایش ملی

چکیده مجموعه مقالات

چکیده مقالات همایش ملی
«حکمرانی اسلامی»

به کوشش:
سید کاظم سید باقری

زمستان ۱۴۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

- ۱..... تمایز انتخابات در نظم مردم‌سالاری دینی نسبت به نظم دموکراسی.....
- ۲..... تبیین مقایسه‌ای حکمرانی مُدرن با حکمرانی حکمی در سه ساحت مبانی، اصول و اهداف.....
- ۳..... تحلیل و تبیین مفهوم، مبانی و ساختار دانشی حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش.....
- ۴..... کارویژه‌های اخلاق در حکمرانی سیاسی اسلامی.....
- ۵..... تأملی بر نسبت میان حکمرانی و بی‌ثباتی سیاسی خشونت‌محور.....
- ۶..... کشاکش نظم و عدالت در الگوی حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی.....
- ۷..... جایگاه عدالت در ساخت شرعی حکمرانی قرآنی.....
- ۸..... اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی).....
- ۹..... روش‌شناسی استنباط گزاره‌های فقه امنیت.....
- ۱۰..... تحلیل فلسفی اصول عام تدبیری و راهبردی حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش.....
- ۱۱..... حکمرانی خوب و الزامات سازهای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران).....
- ۱۲..... مقاومت مردم‌پایه در حکمرانی اسلامی (آثار و پیامدها).....
- ۱۳..... مسئله حکمرانی اجتماعی (با تأکید بر نقش تشکلهای اجتماعی).....
- ۱۴..... دولت کریمه، سنجه حکمرانی اسلامی.....
- ۱۵..... شاخص‌های معنوی پیشرفت در حکمرانی اسلامی.....
- ۱۶..... نگرش مقام معظم رهبری به جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی.....
- ۱۷..... حکمرانی اداری و جایگاه مردمی آن در آموزه‌های علوی.....
- ۱۸..... شاخص‌های سیاسی حکمرانی شایسته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
- ۱۹..... عوامل ناکارآمدی احزاب سیاسی در حکمرانی ایرانی.....
- ۲۰..... بررسی فرایند دستیابی به حکمرانی اسلامی در الگوی اسلام تمدنی مالزی.....

تمایز انتخابات در نظم مردم سالاری دینی نسبت به نظم دموکراسی

سیدسجاد ایزدهی*

انتخابات از مهم ترین و فراگیرترین ابزارهای مشارکت سیاسی شهروندان است که با هدف نفی استبداد و به کارگیری اراده عمومی آنان در اداره جامعه، در همه جوامع (اسلامی و غیر اسلامی) مورد استفاده قرار می گیرد؛ لکن از آنجا که انتخابات، ابزاری صرف و فارغ از هنجارهای پیشینی نیست، بلکه اصل انتخابات در غرب، در بستر اومانیزم ایجاد شده و مبتنی بر ارزش های جوامع غربی است و از سوی دیگر در هر نظام سیاسی باید از ارزش های متناسب با همان جامعه تبعیت کرد و ابزارهای سیاسی هر نظام نیز باید ناظر به هنجارهای همان جامعه باشد، در راستای استفاده از انتخابات در نظام اسلامی باید در آغاز، مبانی آن را بازشناسی و بازخوانی کرده و قرائتی بومی از آن، متناسب با هنجارهای اسلامی ارائه کرد. این تحقیق با تأکید بر رویکرد مقایسه ای و تطبیقی، بر اساس روش استظهاری، استدلالی و استنتاجی، مبتنی بر روش اجتهادی، ضمن باور به تمایز میان انتخابات به کار گرفته شده در نظم مردم سالاری دینی، نسبت به انتخابات مورد استفاده در نظم دموکراسی، پس از ارائه گونه ای متناسب از انتخابات که دارای ماهیتی متمایز از ماهیت انتخابات در نظم دموکراسی بوده و مبتنی بر مبانی دینی و غایات اسلامی است، تمایز میان این دو رویکرد از انتخابات را از حیث مبنا، کارکرد و ساختار مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: انتخابات، مردم سالاری دینی، ولی فقیه، نظام سیاسی، حکمرانی، رأی اکثریت.

* استادتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (sajjadizady@yahoo.com).

تبیین مقایسه‌ای حکمرانی مدرن با حکمرانی حکمی در سه ساحت مبانی، اصول و اهداف

عبدالحسین خسروپناه دزفولی*

میثم بهارلو**

مفهوم حکمرانی به معنای عام عبارت است از فرایند نظام‌مند خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری (قانون‌نگاری و ساختارسازی) جهت کنترل، هدایت و راهبری جوامع. با این حال بین حکمرانی مدرن نئولیبرالیستی با حکمرانی حکمی در سه ساحت مبانی، اصول و اهداف تفاوت بسیاری است که برای مقایسه آن، از روش توصیفی-نقدی با فن تحقیق اسنادی استفاده شده است. مبانی حکمرانی مدرن ریشه در اومانیسم، سوپژکتیویسم، سکولاریسم و پسامبناگرایی دارد و به تبع آن، دارای اصولی همچون اصالت فرد، اصالت آزادی، اصالت حق و اصالت مالکیت خصوصی است. با این حال به دلیل آموزه «تقدم حق بر خیر» ایمانوئل کانت در حوزه اهداف به خیر یا سعادت خاص توجه ندارد و به هدایت شبکه بازی‌گران در تعامل با یکدیگر بسنده می‌کند. در مقابل، حکمرانی حکمی با طرح مبانی توحیدی و رئالیسم پنجره‌ای-شبکه‌ای ضمن طرد نسبی گرایی، غایات خاصی را از جمله حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسل، حفظ نفس و حفظ مال در راستای مقاصد حکمت یعنی عقلانیت، معنویت و عدالت مشخص می‌کند و در نهایت ۲۳ اصل را به عنوان اصول حکمرانی حکمی ترسیم می‌کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی مدرن، حکمرانی حکمی، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، اسلام.

* استادتمام فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده مسئول

(khosropanahdezfuli@gmail.com)

** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه امام صادق (meysam.bahar1374@gmail.com)

تحلیل و تبیین مفهوم، مبانی و ساختار دانشی حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش

حسین رمضانی*

مقاله حاضر در صدد است صورت‌بندی مفهومی «حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش» و ساختار دانشی مبانی و اصول آن را در چارچوب دلالت معرفتی بن‌مایه‌های عقیدتی و ایمانی اسلامی و مبانی فلسفی برآمده از منظومه حکمی حکمت متعالیه تبیین و تحلیل نماید. بر اساس این، پرسش اساسی این مقاله آن است که حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش چیست و ساختار دانشی مبانی و اصولی که مبنای صورت‌بندی مفهومی حکمرانی اسلامی در قالب «حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش» هستند، کدام است؟ این منظور با استفاده از روش تحلیل زبانی اصطلاح «حکمرانی» در لغت و کاربردهای تخصصی و همچنین با اتخاذ روش استنباط از معارف دینی بر پایه بررسی بن‌مایه‌های عقیدتی و ایمانی اسلامی و نیز تحلیل عقلی و تبیین مبانی فلسفی حکمرانی در چارچوب منظومه نظری حکمت متعالیه پیگیری شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی و تعالی‌بخش، دولت اسلامی، پیشرفت.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (h.ramezani@chmail.ir).

کارویژه‌های اخلاق در حکمرانی سیاسی اسلامی

سید کاظم سیدباقری*

محمد نظری**

حکمرانی سیاسی در اندیشه سیاسی اسلام یکی از بنیادی‌ترین مباحث در تأمین ارزش‌ها و حقوق شهروندان در جامعه است که در چند دهه گذشته، به‌ویژه با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، از اهمیتی بیشتر برخوردار شده است. ویژگی این حکمرانی آن است که از نگره‌ای جامع ساحت‌های مادی و معنوی، به تحلیل امور می‌پردازد و از الگوهای رایج در دنیای معاصر متفاوت است. یکی از اصولی که نقش اساسی در این حکمرانی دارد و آن را از الگوهای رقیب، متمایز می‌کند، حضور اخلاق در فرایند اعمال قدرت است که دارای کارکردهای گوناگونی می‌باشد. این قرائت از اخلاق، خدامحور و سپس انسان‌محور است. با توجه به اهمیت این مسئله و ضرورت تحلیل مسائل پیرامونی آن، نوشته پیش رو به کارکردهای اخلاق در حکمرانی سیاسی اسلامی می‌پردازد و در فرضیه بر این امر تأکید دارد که کارکردهای اخلاق در حکمرانی را می‌توان در سه عرصه فردی، اجتماعی و ساختاری رصد کرد که در اموری چون ایجاد بسترهای لازم برای حفظ کرامت شهروندان، حکمرانی پرهیزکارانه، فروتنی در مقابل مردم، پاکسازی جامعه از رذایل اخلاقی، گسترش فرهنگ نظارت همگانی، جلوگیری از طراحی نظام خودکامه و کمک به ایجاد ساختار عدالت محور جلوه می‌یابد. مهم در این میان آن است که بتوان ساختاری را در جامعه اسلامی طراحی کرد تا فرایند امور به سوی فراگیری اخلاق در حکمرانی هدایت شود؛ ساختاری که در آن، شهروندان احساس آزادی، آرامش و امنیت کنند و در پرتو اخلاق به حقوق خویش دست یابند. این دشواره از منظر منابع اخلاق سیاسی اسلام با بهره از روش اجتهادی خوانش متون و توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی: کارویژه‌های اخلاق سیاسی، حکمرانی سیاسی، اندیشه سیاسی اسلام.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده مسئول (sbaqeri86@yahoo.com).

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی زابل.

تأملی بر نسبت میان حکمرانی و بی‌ثباتی سیاسی خشونت‌محور^۱

راضیه مهرابی کوشکی*

سید محمد تقی آل غفور**

این مقاله تلاش دارد تأثیر حکمرانی بر ثبات سیاسی با محوریت خشونت سیاسی را مطالعه و از منظر جامعه‌شناسی سیاسی تبیین کند. فهم این رابطه از وجه ایجابی آن تا حدی شفاف شده است که افزایش کارایی و قابلیت‌های سیستم سیاسی در حل مشکلات و پاسخگویی به تقاضاها و بازخورد موفقیت‌آمیز عملکرد آن می‌تواند به ثبات سیاسی منتهی شود؛ اما وجه سلبی آن یعنی ضعف حکمرانی بر بی‌ثباتی سیاسی و تشدید خشونت سیاسی چندان شفاف نیست و پیچ و خم‌های این معادله نیازمند بررسی و دقت نظری است. با این توضیح و با استفاده از نظریات و دیدگاه‌های موجود که مستقیم و غیر مستقیم مقوم‌های بی‌ثباتی سیاسی را تبیین می‌کند و نیز نظریاتی که پیامدهای کیفیت حکمرانی را بر بی‌ثبات سیاسی می‌سنجد، تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که ضعف حکمرانی از طریق چه مکانیسم‌هایی بر بی‌ثباتی سیاسی به‌ویژه خشونت سیاسی اثر می‌گذارد و تجربه جمهوری اسلامی ایران در این خصوص چگونه آن را تأیید یا تکمیل می‌نماید؟ جهت رسیدن به پاسخ و یافتن مدل تحلیلی، این نوشتار، به شیوه استقرایی نظریات، دیدگاه‌های موجود و تجربه جمهوری اسلامی ایران را بررسی نموده، با استخراج عوامل اثرگذار بر این فرایند می‌کوشد مکانیسم و فرایند تأثیر حکمرانی ضعیف بر بی‌ثباتی سیاسی به‌ویژه خشونت سیاسی را بازنمایی کند. نتایج این بررسی نشان داد سه دسته عوامل در فرایند اثر حکمرانی بر بی‌ثباتی سیاسی ناشی از خشونت سیاسی حضور دارند: نخست عوامل ذهنی همچون بی‌اعتمادی سیاسی و احساس محرومیت نسبی؛ دوم بستر اجتماعی و فرهنگی کنش‌های بی‌ثبات‌کننده و سوم عوامل مداخله‌گر و تشدیدکننده؛ چون حوادث سیاسی ناگوار که در کنار فضا سازی رسانه و شبکه‌های اجتماعی مسیر بی‌ثباتی سیاسی را سرعت می‌بخشد و در بسیج کنش‌های خشونت‌بار جمعی نقش دارد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، بی‌اعتمادی سیاسی، محرومیت نسبی، بسیج رسانه‌ای، خشونت سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی.

^۱. این مقاله با هماهنگی «دبیرخانه کنفرانس ملی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی» در این شماره مجله به چاپ رسیده است.

* دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری/ نویسنده مسئول (mehrabi@tsi.ir).

** دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم.✉

کشاکی نظم و عدالت در الگوی حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی^۱

احمد بیگری*

اکنون با گذشت بیش از دو دهه از سده یست‌ویکم کماکان جدال ایدئولوژی‌های جدید بر سر نظام سیاسی و جایگاه حکومت در آن ادامه دارد؛ چراکه هنوز هیچ یک از نظام‌های سیاسی موجود نتوانسته‌اند آرمان‌ها و غایات بشری در عرصه جامعه سیاسی را عینیت بخشند. در همین راستا، امروزه حکومت در حال از دست دادن جایگاه خود به عنوان محور اصلی جامعه سیاسی است. در سده بیستم، تنش‌هایی طولانی میان تمرکزگرایی و تمرکززدایی، اغلب در جوامع غربی وجود داشته و گذار از پارادایم «حکومت» به پارادایم «حکمرانی» را به‌خصوص در دهه‌های پایانی سبب شده است. در این خصوص گذار از مدیریت بوروکراتیک به مدیریت غیر متمرکز و شکل‌گیری شبکه‌های سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف را در اندازه‌های متفاوت می‌توان مشاهده کرد. در ایران تکوین دولت مدرن از همان ابتدا بر اساس مدلی تمرکزگرایانه استوار بوده است. با انقلاب اسلامی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی مطلوب، حرکت به سوی تمرکززدایی در سیاست‌گذاری در برخی عرصه‌های غیر حاکمیتی تا حدودی دنبال شده است. با این همه، دغدغه‌های امنیتی — به معنای عام — و اختلال‌های عملکردی در حوزه توزیع، همواره مشکلاتی را در حوزه عملی و نظری به دنبال داشته که مانع از شکل‌گیری یک حکمرانی مطلوب بوده است. نوشتار حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از رویکردی تبیینی — تاریخی مختصات حکمرانی محقق در جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید. به نظر می‌رسد این الگو به دنبال تغییر مجدد حکمرانی از پارادایم «نظم و امنیت» به پارادایم «عدل و قسط» است.

واژگان کلیدی: امنیت، حکمرانی سیاسی، حکمرانی اسلامی، حکمرانی سیاسی مطلوب، جمهوری اسلامی، عدالت، نظم عمومی.

^۱. این مقاله با هماهنگی «دبیرخانه کنفرانس ملی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی» در این شماره مجله به چاپ رسیده است.

* استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اراک (a-biglari@araku.ac.ir).

جایگاه عدالت در ساخت شرعی حکمرانی قرآنی

منصور میراحمدی*

فهم معنا و جایگاه عدالت در حکمرانی قرآنی مستلزم توجه به ساخت معنایی قرآن کریم است. مقاله حاضر با رویکردی معناشناختی و با بهره‌گیری از روش تفسیری تلاش می‌کند نسبت عدالت و امر حکمرانی را از نظر قرآن کریم تبیین نماید. از دیدگاه نگارنده، عدالت به عنوان یک الزام شرعی در درون ساخت شرعی حکمرانی قرآنی به عنوان یکی از زیربخش‌های ساخت معنایی حکمرانی قرآنی قابل تبیین است. مطالعه آیات ناظر به عدالت اجتماعی نشان می‌دهد از نظر قرآن کریم عدالت اجتماعی در امر حکمرانی، الزامی شرعی هم برای حکمرانان و هم مردم است. قرآن کریم به طور خاص تحقق عدالت اجتماعی را به عنوان یک الزامی شرعی در عرصه عدالت قضایی به عنوان یکی از زیربخش‌های عدالت اجتماعی نیز مورد توجه قرار داده و در نهایت از طریق وجوب مبارزه با ظلم بر الزامی بودن تحقق عدالت اجتماعی تأکید نموده است.

واژگان کلیدی: عدالت، عدالت اجتماعی، عدالت قضایی، ساخت شرعی، حکمرانی، حکمرانی قرآنی.

* استادتمام علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (m_mirahmadi@sbu.ac.ir).

اکتشاف و طراحی نظام اقتصادی اسلام (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری در نظام‌سازی اسلامی)

سیدعباس موسویان*

حسین غفورزاده**

نگاه دقیق به آموزه‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف نشان می‌دهد این آموزه‌ها در عین تنوع، از انسجام خاصی برخوردار بوده و به صورت هماهنگ به دنبال تحقق اهداف والایی به عنوان «سعادت دنیوی و کمال اخروی انسان‌ها» هستند. از این آموزه‌ها به عنوان «نظام اسلامی» یاد می‌شود که حاوی زیرنظام‌های «سیاسی»، «اجتماعی»، «اقتصادی» و... است. این مقاله در صدد است با استفاده از روش تحلیل محتوای بیانات مقام معظم رهبری و با مبنای قرارداد دیدگاه ایشان در تعریف نظام اسلامی، عناصر نظام اقتصادی اسلام را به عنوان یکی از زیرنظام‌های اسلامی تبیین نماید. اگر نظام اقتصادی اسلام را مجموعه‌ای از «مبانی بینشی و ارزشی»، «سنت‌های الهی»، «اهداف»، «احکام اقتصادی»، «اخلاق اقتصادی»، «دولت و بازارها»، «قوانین و مقررات و قراردادهای»، «سازمان‌ها»، «ابزارها» و «الگوهای رفتاری» بدانیم که به صورت هماهنگ می‌خواهند فعالیت‌های اقتصادی را در سطح فردی، اجتماعی و بین‌المللی ساماندهی نمایند و انسان‌ها را از بعد اقتصادی به رفاه دنیوی و کمال اخروی برسانند، برخی از این عناصر ثابت و قابل اکتشاف از منابع دینی است و برخی متغیر و قابل استفاده از یافته‌های دانش و تجربه بشری است و با پیشرفت جوامع متحول می‌شوند. مطابق آموزه‌های دینی، عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام، تأسیسی است؛ به این بیان که خود شریعت اسلام متصدی بیان این موارد است و ما وظیفه داریم آنها را با روش اجتهاد مصطلح از منابع استنباط (قرآن، سنت، اجماع و عقل) کشف کنیم؛ اما عناصر متغیر که غالباً امضایی است، به عناصر ثابت، تحول، تحرک، پویایی و شادابی می‌بخشد و به مسئولان امر و کارشناسان فرصت می‌دهد پیوسته با استفاده از علم و تجربه بشری و البته با روش‌شناسی اقتصاد اسلامی به فکر طراحی الگوها، مدل‌ها، سازمان‌ها و ساختارهای جدید و منطبق با عصر و زمان خود باشند.

واژگان کلیدی: نظام، نظام اقتصادی، نظام اقتصادی اسلام، عناصر ثابت و متغیر، اجتهاد، امضا.

* استاد تمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده مسئول (samosavian@yahoo.com).

** دانش آموخته دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، (hghafoorzadeh@yahoo.com).

روش‌شناسی استنباط گزاره‌های فقه امنیت

ابوالقاسم علیدوست*

محمدحسین پورامینی**

یاسین پورعلی***

موضوع امنیت از موضوعات ضروری برای بحث و گفت‌وگوی همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد. سخن از فقه امنیت، سخن از یکی از ساحت‌های جدید فقه در بازپژوهی و نظریه‌پردازی در عرصه حکمرانی است. فقه امنیت بخشی از فقه به شمار می‌رود که در آن مسائل امنیت را مورد بحث قرار می‌دهد؛ اما سؤال مهم این است که آیا فقه امنیت و احکام مربوط به آن، در استنباط و استنباط گزاره‌های خویش، از روش خاصی برخوردار است؟ به عبارت دیگر آیا استنباط احکام امنیت همانند استنباط احکام نماز و حج از ادله است یا با آن متفاوت است؟ در پاسخ به این مسئله باید بیان داشت که فقه امنیت با سایر ابواب فقهی واجد اشتراکات و افتراقاتی است. در روش‌های مشترک، توجه به روش‌ها و ضرورت‌های حاکم بر دانش فقه از جمله شروع حرکت اجتهادی از اسناد معتبر و تحفظ بر منابع چهارگانه فقه ضروری است. فقه امنیت در روش‌های استنباط ویژه خود بر مدیریت ادله، هویت‌گرایی و پیامدگرایی توجه داده و بر استنباط دوم تأکید دارد. بنابراین توجه به روش‌شناسی در فقه امنیت از یک سو مانع از فقه‌سرایی و فقه‌سازی خواهد شد؛ از سوی دیگر فقیه زمانی که مجهز به روش بحث باشد، از استنباط عقیم و بی‌ثمر فاصله خواهد گرفت؛ یعنی از یک سو با عطف توجه به هنجارها، فقه «پایا» حاصل می‌شود و از سوی دیگر اقتضائات، مد نظر وی قرار می‌گیرد که در این حالت فقه «پویا» را نتیجه می‌دهد.

واژگان کلیدی: فقه امنیت، مدیریت ادله، استنباط دوم، هویت‌گرایی، پیامدگرایی.

* استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و استادتمام گروه حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی / نویسنده

مسئول (Alidoost1380@gmail.com).

** پژوهشگر فقه سیاسی و دکتری حقوق بین الملل (pourmini.mh@gmail.com).

*** پژوهشگر پژوهشگاه عالی دفاع ملی (Pourali.y@gmail.com).

تحلیل فلسفی اصول عام تدبیری و راهبردی حکمرانی متعالی و تعالی بخش

مهدی غضنفری*

موسی الرضا قائمی**

حسین رمضانی***

مقاله پیش رو در نظر دارد با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی - نظری دانش‌واژه «راهبرد» و «اصول فرایندی راهبردگزینی» در چارچوب مکاتب فلسفی معاصر و بازسازی آن بر اساس بنیادهای عقیدتی - ایمانی و فلسفی حکمرانی متعالی و تعالی بخش اسلامی که برگرفته از منظومه معرفت و حکمت متعالیه اسلامی است، تصویری مفهومی و نظری از «اصول عام تدبیری و راهبردی» در مستوای انتظارات تمدنی از حکمرانی متعالی و تعالی بخش اسلامی ارائه دهد. به این منظور دانش‌واژه «راهبرد» و رویکردهای فلسفی موجود در شناسایی چیستی و چگونگی تحقق بخشیدن به «راهبرد» را در ادبیات فلسفه مدیریت راهبردی بررسی و تحلیل کرده است. سپس با اتخاذ رویکرد تحلیلی - مقایسه‌ای سعی کرده است با ابتدای بر بن‌مایه‌های عقیدتی و ایمانی و مبانی فلسفی و نظری معرفت و حکمت اسلامی، مفاهیم «تدبیر» و «راهبرد» را در مستوای تمدنی «حکمرانی متعالی و تعالی بخش اسلامی» تعریف نماید. پس از آن کوشیده است موقف و موقعیت نظری و عملی تدابیر و راهبردها و منطق و مسیر کلان اقدامات اساسی و تدابیر راهبردی «حکمرانی متعالی و تعالی بخش» را ترسیم کند. در نهایت بایسته‌های هنجاری شناسایی تدبیر و راهبرد (اصول عام تدبیری و راهبردی) را متذکر شده است.

واژگان کلیدی: راهبرد، حکمرانی، مدیریت راهبردی، پیشرفت، تدبیر، تمدن نوین اسلامی.

* استادتمام دانشگاه علم و صنعت (mehdi@iust.ac.ir).

** استادیار دانشگاه دفاع ملی (mosa-ghaemi@yahoo.com).

*** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (h.ramezani@chmail.ir).

حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران)

علیرضا زهیری*

نظام جمهوری اسلامی به‌رغم توفیقات بسیاری که در طول حیات خود داشته، با معضلات و چالش‌هایی نیز روبه‌رو بوده که کارآمدی آن را با اختلال مواجه ساخته است. وجود فساد و نبود شفافیت یکی از معضلات فراگیری است که گریبان بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را گرفته و هزینه‌های فراوان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در پی داشته است. شفافیت به مفهوم آشکاربودن اطلاعات دولتی و حق دسترسی شهروندان به آن اطلاعات به عنوان عامل مؤثر در جلوگیری از فساد و سوء استفاده از قدرت دولتی از نشانگان حکمرانی مطلوب است. پرسش این است که شفافیت در ایران با چه چالش‌هایی روبه‌روست و راه حل ارتقای شفافیت کدام است؟ در حال حاضر به‌رغم وجود الزامات سازه‌ای شفافیت در اسناد بالادستی، نبود ترتیبات نهادی مانند ابهام در سامانه‌های سیاسی، شکاف میان قوانین و اقدامات دولتی، پایین‌بودن ضریب پاسخ‌گویی نظام سیاسی، پایین‌بودن ضریب اعتماد عمومی به کارآمدی دولت، ضعف در نهادمندی سیاسی و نبود نهادهای مدنی فعال، بوروکراسی غیر شفاف و دشواری دسترسی به اطلاعات، وجود نهادهای نظارتی ناکارآمد و وجود ابهام و پیچیدگی در قوانین و مقررات، به کاهش شفافیت انجامیده و در نتیجه زمینه‌های گسترش فساد را فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: فساد، شفافیت، حکمرانی خوب، اسناد فرادستی، نهادمندی سیاسی.

* پژوهشگر گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (d_zahiri@yahoo.com).

مقاومت مردم‌پایه در حکمرانی اسلامی (آثار و پیامدها)

محمد ملک‌زاده*

مقاومت در منابع دینی، سیره سیاسی و حکومتی انبیا و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دارای پشتوانه مردمی است. قرآن کریم رسالت مهم پیامبران الهی را این گونه توصیف می‌کند که آنان با مقاومت در مسیر مبارزه با سنت‌ها و مناسبات غلط اجتماعی - بدون واهمه داشتن از احدی جز خدا- به وظیفه سنگین رسالت خویش برای اصلاح جوامع بشری و بهبود روابط اجتماعی عمل می‌نمودند. مردمان مسلمان نیز در توصیف خداوند کسانی‌اند که در کنار رهبران اسلامی با اراده و انتخاب خویش مقابل پیشوایان کفر و پیمان‌شکن ایستادگی می‌کنند. توجه به نقش مردم در مقاومت و بررسی آثار و نتایج آن در حکمرانی اسلامی موضوع و هدف اساسی این مقاله است. بر اساس یافته‌های این پژوهش محور اصلی مقاومت در حکمرانی اسلامی مردم‌اند. به عبارتی مقاومت در اندیشه اسلامی با مشارکت مستقیم و داوطلبانه مردم شکل می‌گیرد و برای تحقق اهداف مردمی استمرار می‌یابد. چنین مشارکت داوطلبانه‌ای آثار فراوانی در ابعاد مختلف به همراه خواهد داشت. این فرضیه از طریق روش توصیفی-تحلیلی در خلال تبیین نتایج و پیامدهای مقاومت در حکمرانی اسلامی به آزمون نهاده خواهد شد.

واژگان کلیدی: آثار و پیامدها، حکمرانی اسلامی، روابط بین‌الملل، مردم، مقاومت.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (malekzadeh1350@gmail.com).

مسئله حکمرانی اجتماعی (با تأکید بر نقش تشکلهای اجتماعی)

حسین بابایی مجرد*

حکمرانی با تکیه تام بر مکانیسم بازار و مداخله‌های دولت، با هدف شکست ارزش عمومی دچار تنگنمایی شده است. مشارکت مستمر و مؤثر عموم مردم، عامل تعقیب ارزش‌های عمومی و توسعه‌دهنده ظرفیت حکمرانی بوده، اما فاقد ساز کار مناسب است. تشکلهای اجتماعی در عین حال که می‌توانند ابزاری مناسب در جهت تقویت مشارکت عمومی باشد، اما با آسیب‌هایی چون «ماهیت غیر شفاف»، «چندتولی‌گری»، «عدم وضوح حقوق و تکالیف» و «فقدان ساز کار نظارت» روبه‌روست. پرسش اصلی پژوهش، علل آسیب‌مندی تشکلهای اجتماعی در امر حکمرانی است و هدف این پژوهش کشف آموزه‌های قرآنی مرحله اول دعوت پیامبر ﷺ برای رفع آسیب‌های فوق است. رویکرد پژوهش، توصیفی — تحلیلی و روش آن به جهت توصیف وضع مسئله‌مند تشکلهای اجتماعی در ایران امروز، «مروری» و به جهت تحلیل مسائل و افق‌گشایی برای حل آنها مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، «تفسیر موضوعی تنزیلی» است. مبتنی بر روش تفسیر تنزیلی، مفاهیم آیات هدف قرآن در مرحله اول دعوت بررسی شده و در چهار مقوله فاعل تحول (جهت توضیح مشخصات متولی تشکلهای)، زمینه‌سازی برای تحول (جهت تبیین حقوق و تکالیف تشکلهای)، نهادسازی برای تحول (در راستای ایضاح سازکار نظارت بر تشکلهای) و محتواسازی برای تحول (در تعقیب پردازش ماهیت تشکلهای) صورت‌بندی شده‌اند. نتیجه آنکه نگارنده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی دریافت که ابعاد تشکلهای اجتماعی در مرتبه ماهیت، «قیام به عهد الهی»، در ساحت متولی، «تثبیت رهبر اجتماعی»، در سطح نظارت، «تذکر و تدبیر جمعی»، در مستوای تکلیف، «زمینه‌سازی تفکر و تذکر» و در ساحت حقوق، «هدایت و رحمت» می‌باشد.

واژگان کلیدی: امر عمومی، ظرفیت حکمرانی، حکمرانی اجتماعی، تشکلهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تفسیر تنزیلی.

* استادیار گروه مدیریت اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (h.babaei@gmail.com).

دولت کریمه، سنجه حکمرانی اسلامی

عبدالوهاب فراتی^۱

دولت کریمه، نوعی حکمرانی دینی است که مومنان شوق لقای آن را در فرازی از دعای افتتاح یعنی "اللهم انا نرغب اليك في دولة کریمه" در شبهای ماه رمضان می خوانند. شیعیان در این دعا به جای اینکه شوق دیدار حضرت ﷺ را داشته باشند مشتاقانه متوجه دولت او می شوند و بدین گونه نه در پی شخص امام ﷺ بلکه در پی دولت او می شوند. هر چند این دولت برای شیعیان جنبه آرمانی دارد و چشم به افق پیدایی او دوخته اند اما این دولت مطلوبیت ذاتی ندارد و سنجه ای برای شناخت نحوه درست و نادرست حکمرانی در سالهای پیش از ظهور است. البته دولت های صدر اسلام در مدینه و کوفه نیز برای شیعه نیز همچنان جنبه آرمانی دارند و می توانند در سنجش دولتهای کنونی یاری رسانند اما چون دولت کریمه صورتی کامل تر از دولتهای پیشین است، وجه آرمان گرایانه آن قوی تر و توجه مشتاقانه به آن بیشتر است. حتی به فرموده مقام معظم رهبری، یکی از آرزوهای انقلاب اسلامی آن است که دولت های خود را "کریمه" بنامد. این نشان می دهد که دولت کریمه، نوعی از حکمرانی است که با تمام مدلهای حکمرانی در دوره معاصر متمایز است. اینکه این دولت چگونه حکم می راند و وظیفه ما در قبال آن چیست؟ پرسش هایی است که این مقاله در صدد تحلیل آن است.

واژگان کلیدی: دولت کریمه، حکمرانی مطلوب، دعای افتتاح، دولت امام زمان (عج)

۱. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

شاخص‌های معنوی پیشرفت در حکمرانی اسلامی

محمد جداری عالی^۱

یکی از وظایف اساسی حکمرانی برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های پیشرفت جامعه است. پیشرفت همه‌جانبه دارای ابعاد متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌باشد. یکی از ابعاد بلکه روح حاکم بر برنامه‌های پیشرفت در حکمرانی اسلامی پیشرفت معنوی است. یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی، ارائه شاخص‌های لازم در راستای اجرا و نیز ارزیابی میزان موفقیت آن پس اتمام دوره‌های موردنظر است. این مقاله درصدد است تا شاخص‌های معنوی پیشرفت را در حکمرانی اسلامی مورد کنکاش قرار دهد.

در این مقاله برای معرفی شاخص‌ها، از روش سیکارن استفاده شده است. براساس این روش تدوین شاخص مستلزم طی چهار مرحله: ارائه تعریف عملیاتی، استخراج ابعاد، استخراج مؤلفه‌ها و در نهایت طراحی شاخص‌ها می‌باشد.

در این نوشتار پیشرفت به‌عنوان مهمترین مفهوم ناظر به پدیده موردسنجش، و معنویت بعد موردنظر بوده و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در ارتباط با حکمرانی اسلامی و به روش استقرائی، ایمان، اخلاص، توکل و ایثار معرفی و سپس شاخص‌های هرکدام طراحی شده که تفصیل آن در متن مقاله ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، پیشرفت، معنویت، مؤلفه‌های معنوی، شاخص معنوی.

۱. استادیار گروه اخلاق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نگرش مقام معظم رهبری به جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی

حمید محسنی^۱

مهدی امیدی^۲

مسئله اصلی این پژوهش تبیین اهمیت جایگاه مردم در حکمرانی اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای می‌باشد. در اندیشه مقام معظم رهبری نقش مردم در برپایی حکومت به عنوان «مشروعیت بخشی» می‌باشد. برخی محققان فلسفه سیاسی سعی کرده‌اند دیدگاه رهبری را با ارجاع به «نظریه مقبولیت» و یا با تفکیک «مشروعیت در مقام ثبوت و در مقام اثبات» توجیه کنند. اما بنابر یافته این تحقیق، مشروعیت بخشی مردم از نگاه معظم له، نه به معنای «مقبولیت» و نه به معنای «مشروعیت در مقام اثبات» است؛ بلکه به معنای مصطلح در فلسفه سیاسی یعنی «حقانیت» است. از منظر رهبری، حکومت اسلامی دو رکن مشروعیت دارد. یک رکن اصلی مشروعیت بخشی به حکومت، «حاکمان الهی» هستند. و رکن دیگر مشروعیت بخشی، «مردم مسلمان» می‌باشند. از این رو، مردم نقش مشروعیت و حقانیت بخشی به حکومت دارند، و این حق را نیز خداوند به آنها اعطا کرده است. حق مردم، «حق تبعی» و در طول «حق اصلی» خداوند متعال می‌باشد نه در عرض آن. این یافته با روش توصیفی و تحلیلی از بیانات ایشان استخراج و استنباط شده است. دست کم چهار دلیل برای اثبات این نظریه از بیانات ایشان و آموزهای دینی آورده شد. و به برخی پیامدهای مهم این نظریه نیز اشاره شد.

واژگان کلیدی: مردم، مقام معظم رهبری، حکمرانی اسلامی، حق تبعی.

۱. دانشجوی دکتری موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۲. دانشیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

حکمرانی اداری و جایگاه مردمی آن در آموزه‌های علوی

علی آقا پیروز^۱

در باره مدیریت دولتی سه پارادایم وجود دارد. در پارادایم «اداره»، میزان اندازه و دخالت دولت، حداکثری است و دولت سکاندار و و پاروزن کشتی توسعه و پیشرفت است. در پارادایم «مدیریت» دولت، حداقلی و کوچک است و همه امور به بخش خصوصی واگذار می‌شود. اما در پارادایم سوم یعنی «حکمرانی» دولت، نه حداقلی و نه حداکثری است بلکه با مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی حکمرانی می‌کند. آیا دولت اسلامی حداقلی است یا حداکثری؟ آیا فرض مشارکت با بخش خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد در باره آن صادق است؟ مردم چه جایگاهی در حکمرانی اسلامی دارند؟ یافته‌ها حاکی از صحت اطلاق واژه «حکمرانی» در باره دولت اسلامی است و اندازه دولت بستگی به حجم وظایف دارد و مردم نیز جایگاهی ممتاز دارند که با هیچ یک از پارادایم‌ها قلیل قیاس نیست. روش تحقیق، تحلیلی با محوریت منابع اسلامی به ویژه نهج البلاغه و راهبرد آموزه محوری است.

واژگان کلیدی: نظام اداری، مدیریت دولتی، حکمرانی اداری، اداره امور عمومی و رعیت

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

شاخص‌های سیاسی حکمرانی شایسته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سیدمحمد جواد قربی^۱

میثم بلباسی^۲

حکمرانی خوب یکی از دغدغه‌های سده معاصر در ادبیات سیاسی و مطالعات تطبیقی در عرصه حاکمیت می‌باشد و جوامع مختلف مترصد دستیابی به شاخص‌های ترسیم شده برای حکمرانی مطلوب در ادبیات توسعه جهانی می‌باشند که البته شاخص‌های حکمرانی در آموزه‌های اسلام دارای مبانی، مؤلفه‌ها و ابعاد متمایزی هستند که تعالی بخش نظام سیاسی هستند. از این رو، سنجش شاخص‌ها، مؤلفه و ابعاد حکمرانی یکی از دغدغه‌های حوزه سیاستگذاری می‌باشد و در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی یکی از بسترهای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب اسلامی است. از این رو، هدف مقاله حاضر نیز بررسی قانون اساسی به عنوان یکی از مهمترین سندهای حقوقی ایران برای تبیین مؤلفه‌های سیاسی حکمرانی مطلوب اسلامی است؛ زیرا می‌تواند به سیاستگذاران کمک نماید در برنامه‌های راهبردی دارای نقشه و چشم انداز بنیادین باشد. با توجه به هدف ترسیم شده، نگارندگان مترصد بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی برای پاسخگویی به این سؤال می‌باشند: حکمرانی سیاسی شایسته اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای چه مؤلفه‌های سیاسی می‌باشد؟ برخی از مؤلفه‌های سیاسی حکمرانی در قانون اساسی عبارتند از؛ قانون مداری، شفافیت، عدالت فراگیر، پاسخگویی مسئولان حکومتی، مشارکت عمومی، نظارت و کنترل، مبارزه با فساد، کرامت انسانی، آزادی و... است. سازماندهی پژوهش به این قرار است که در بخش اول به بررسی مفهومی حکمرانی پرداخته می‌شود و در مرحله بعد، مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در قانون اساسی براساس روش تحلیل محتوا مورد واکاوری قرار می‌گیرد. واحد تحلیل در این مقاله «عبارت» می‌باشد.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی شایسته، حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی، پاسخگویی، عدالت، شفافیت، آزادی، کرامت انسانی، نظارت و کنترل سیاسی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام Ghorbi^{۱۸}@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران

عوامل ناکارآمدی احزاب سیاسی در حکمرانی ایرانی

مقصود رنجبر^۱

محمد حسن استاد میرزا^۲

اگرچه مطالعه حزب و تحزب در ایران معاصر آینه کامل و شفافی از جریان‌های سیاسی ارائه نمی‌دهد، فصل مهمی از جریان‌شناسی سیاسی را در بر دارد. علاوه بر اینکه بسیاری از جریان‌های سیاسی و فکری ایران معاصر در قالب احزاب بروز پیدا کرده‌اند، این مطالعه سبب شناخت بهتر سایر جریان‌های سیاسی غیرحزبی نیز می‌شوند. تجربه احزاب سیاسی در ایران به دوران انقلاب مشروطه باز می‌گردد، اما متأسفانه تاریخ تحزب در ایران بیانگر نوعی ناکارآمدی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. تجربه تحزب در ایران به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده نتوانسته به طور مطلوب کارویژه‌ها و اهداف مورد نظر از جمله مشارکت سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، ارتباطات سیاسی و ... را تأمین کند و معمولاً نحوه شکل‌گیری، تداوم حیات حزب، کارویژه‌های عضوگیری و تعیین خط‌مشی‌ها و ... با نقصان‌هایی همراه بوده است، به طوری که هیچ کدام فرجام خوشی نداشته و نتوانسته‌اند در شکل و شمایل یک حزب واقعی و با تعاریف مرسوم علمی، ادامه راه دهند. به دیگر سخن، احزاب در کشور ما نهادینه نشده‌اند و این مساله را می‌توان به عنوان یکی از علل اصلی ناکارآمدی احزاب برشمرد. هرچند از احزاب در محافل و مجامع گوناگون بسیار سخن به میان آورده می‌شود ولی اکثریت آنها تنها نام حزب سیاسی را یدک می‌کشند و در نهایت تشکلی سیاسی یا گروهی ذی‌نفوذ بوده‌اند و نه حزب سیاسی.

واژگان کلیدی: جامعه مدنی، توسعه سیاسی، تحزب در ایران، حکمرانی حزبی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛ maghsoodranjbar@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی؛ mhom1360@chmail.ir

بررسی فرایند دستیابی به حکمرانی اسلامی در الگوی اسلام تمدنی مالزی

صدیقه خراسانی^۱

اسلام حضاری مالزی به عنوان یک الگوی تمدنی جدید حکمرانی در مقابل اسلام سیاسی، مسیر نوینی برای دستیابی به حکمرانی اسلامی و ساختن جامعه‌ای با هویت اسلامی ایجاد کرده است؛ در این الگو، حفظ هویت اسلامی (در برابر غرب) همزمان با همزیستی و بهره‌مندی از مزایای مدرنیته، در اولویت قرار دارد. اسلام حضاری، با اتخاذ رویکرد نگاه به آینده در مقابل رویکردهای رقیب گذشته‌گرا، اصولی چون «زندگی خوب»، «همبستگی فرهنگی و اخلاق» و «حفاظت از محیط زیست» دارد. این رویکرد درصدد ارائه الگویی بین‌المللی از اسلام غیرانحصاری در دستان گروهی خاص است که با اجرای آن در جامعه مالزی، میزان همبستگی ملی و رفاه اجتماعی در بستر جامعه اسلامی را انتظام بخشیده است. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود به فرایند دستیابی به حکمرانی سیاسی اسلامی از منظر الگوی اسلام حضاری پرداخته شود؛ و به این پرسش پاسخ داده شود که اسلام حضاری مالزی چگونه توانسته ضمن ایجاد تعادل هویتی (در مواجهه با مدرنیته غربی و مقومات آن) به عنوان الگوی حکمرانی در جهان اسلام مطرح شود. در پاسخ احتمالی به پرسش فوق می‌توان گفت «اسلام حضاری با تغییر الگوی ادراکی جهان پیرامون و با تکیه بر نیروی دانش و دین، به دنبال تمدن‌سازی و ارتباط مؤثر با سایر حوزه‌های تمدنی است که از مسیر توسعه همبستگی اخلاقی - فرهنگی داخلی و ارتقا سطح کرامت انسانی و زندگی مادی محقق خواهد شد. اسلام حضاری می‌تواند به عنوان الگوی حکمرانی جایگزین در مقابل سایر روش‌های حکومتی مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اسلام حضاری، اسلام سیاسی، تمدن اسلامی، حکمرانی، همبستگی.

۱. دکتری روابط بین الملل email: khorasani^{۸۴}@gmail.com